

درد و ظهور آن در آثار عطار

نمای نخست

www.ketab.ir

به نام آن که جان را فکرت آموخت
چراغ دل به نور جان برافروخت

سرشناسه	: نخشب، هادی، ۱۳۴۹ -
عنوان و نام پدیدآور	: درد و ظهور آن در آثار عطار / نویسنده: هادی نخشب
مشخصات نشر	: تهران: تیس، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	: ۲۳۴ ص؛ ۱۶/۵×۲۳
فروست	: ادبیات؛ ۵
فروست	: فلسفه؛ ۴
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۷۲۱۲-۲۷-۱
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
موضوع	: عطار محمدبن ابراهیم، ۵۳۷-۶۲۷ ق - نقد و تفسیر
موضوع	: درد و ادبیات
موضوع	: درد
موضوع	: رنج در ادبیات
موضوع	: شعر فارسی - مجموعه‌ها
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۲ ن ۴۰۰۹/۵۴ PIR
رده‌بندی دیویی	: ۸۲۱/۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۲۷۸۵۵۴

www.ketab.ir

درد و ظهور آن در آثار عطار

نویسنده: هادی نخشب

چاپ اول: بهار ۱۳۹۳

شماره نشر: ۸۲

صفحه‌آرا: سپیده امیری

چاپ و صحافی: افست گرافیک

تعداد: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰-۷۲۱۲-۲۷-۱

همه حقوق چاپ و نشر این اثر انحصاراً (طبق قرارداد) محفوظ است

این اثر تحت پوشش قانون حمایت از مؤلفان و مصنفان ایران قرار دارد.

استفاده از مطالب با ذکر منبع بلاشکال است.

انتشارات تیسرا

تهران، بهارستان، ظهیرالاسلام، دیلمان، شماره ۶ واحد ۳ تلفن: ۰۲۱-۳۳۹۹۹۴۲۳، ۳۳۹۹۲۴۷۰

www.teesa.ir

iteesa@mail.com

فهرست

۱۱	 مقدمه
۳۶	 علانم و بیت
۴۱	 درد در آتش بودا
۴۳	 اندیشه ابوالعلاء معین
۴۳	 نظر شوینهاور
۴۵	 اهمیت گریه
۴۷	 انواع گریه
۴۷	 ۱. گریه عاطفی
۴۷	 ۲. گریه عهد و پیوند
۴۷	 ۳. گریه شوق و خوشحالی
۴۷	 ۴. گریه حسرت
۴۸	 ۵. گریه خوف و ترس از قدرت و عظمت خدایند
۴۸	 ۶. گریه فراق
۴۸	 ۷. گریه نفاق، تزویر و دروغ و مصنوعی
۴۸	 ۸. گریه ذلت و شکست
۴۹	 ۹. گریه عقوبتی
۴۹	 ۱۰. گریه نیاز
۴۹	 آثار گریه در روایات
۴۹	 علل محرومیت از گریه در روایات
۴۹	 عوامل کسب گریه
۵۰	 بهترین اوقات گریه
۵۰	 آداب گریه:
۵۶	 درد در کتاب فیه ما فیه
۶۷	 درد از نظر معنا شناسی
۷۳	 درد از دیدگاه پزشکی؛ ای بسا درد که باشد به حقیقت درمان

۷۳	 PAIN درد
۷۳	 Evluation of pain بررسی درد
۷۴	 Treatment درمان
۷۴	 ضد دردهای غیر مخدر
۷۴	 داروهای مخدر (Opioid narcotic)
۷۵	 "Pyschogenic pain"
۷۶	 Headache سردرد
۷۷	 "Tansion Headache"
۷۸	 میگرن (Migraine)
۷۹	 Cluster Headache □
۷۹	 "Tension Headache"
۸۰	 درد از دیدگاه روان‌شناسی
۸۰	 زمینه روان‌شناسی هیلگا
۸۱	 درد در آثار شاعران رنسانس گلستان
۸۱	 رودکی
۸۲	 شاهنامه
۸۲	 بابا طاهر
۸۲	 معری
۸۲	 خیام
۸۳	 ابوسعید ابوالخیر
۸۳	 نجم‌الدین کبری
۸۳	 مسعود سعد
۸۳	 احمد غزالی
۸۴	 سنایی
۸۴	 شمس‌الدین برد سیری کرمانی
۸۵	 صفی‌الدین یزدی
۸۵	 عراقی
۸۷	 نظامی گنجوی
۸۸	 خاقانی
۸۸	 سعدی
۹۰	 مولانا
۹۷	 حافظ
۱۰۶	 وحشی بافقی
۱۰۷	 صائب

۱۱۰	بیدل دهلوی
۱۱۱	ترکیب‌بند محتشم کاشانی
۱۱۱	ناصر علی سرهندی
۱۱۱	امیدی تهرانی
۱۱۲	شیخ صفی‌الدین صوفی
۱۱۲	حیاتی گیلانی
۱۱۲	شیخ بهایی
۱۱۲	فیض کاشانی
۱۱۳	کلیم کاشانی
۱۱۴	اقبال انوری
۱۱۴	ماکال‌شراء بهار
۱۱۵	حبیب خراسانی
۱۱۵	ژولیده نیشابوری
۱۱۶	شهریار
۱۱۶	عماد خراسانی
۱۱۶	امیری فیروزکوهی
۱۱۶	مهرداد اوستا
۱۱۶	پروین اعتصامی
۱۱۷	فرخی یزدی
۱۱۷	اخوان ثالث
۱۱۷	نیما یوشیج
۱۱۸	رهی معیری
۱۱۹	معینی کرمانشاهی
۱۲۱	سیمین بهبهانی
۱۲۱	مهدی سهیلی
۱۲۲	سهراب سپهری
۱۲۲	هوشنگ ابتهاج (ه.ا. سایه)
۱۲۳	محمود شاهرخی
۱۲۴	سیاوش کسرایی
۱۲۴	حمید مصدق
۱۲۵	قیصر امین‌پور
۱۲۸	شفیعی کدکنی
۱۲۹	سلمان هراتی
۱۳۱	محمدعلی بهمنی

۱۳۲.....	محمد رضا آقاسی
۱۳۲.....	قادر طهماسبی (فرید)
۱۳۳.....	مصطفی علی پور
۱۳۳.....	علی موسوی گرمارودی
۱۳۶.....	علیرضا قزوه
۱۳۶.....	درد در آثار نویسندگان و اندیشمندان
۱۳۶.....	آیت الله بهجت
۱۳۸.....	شکسپیر
۱۳۹.....	تولستوی
۱۴۰.....	شیلر
۱۴۰.....	اینشتین
۱۴۱.....	تاگور
۱۴۲.....	جبران خلیل جبران
۱۵۱.....	تذکرة الاولیاء
۱۵۶.....	ذکر حسین بن منصور رحمة الله علیه
۱۶۱.....	وحدت وجود
۱۶۳.....	عقاید و اقوال درباره وحدت وجود
۱۶۶.....	غزلیات
۱۷۱.....	مختار نامه
۱۷۵.....	اسرار نامه
۱۸۸.....	الهی نامه
۱۹۹.....	مصیبت نامه
۲۱۱.....	منطق الطیر
۲۲۲.....	دعا
۲۲۵.....	الهی نامه علامه حسن زاده آملی
۲۳۱.....	کتابنامه

مقدمه

لازم می‌بینم مسئله بسیار مهم را که جزء جدانشدنی ادبیات و زندگی بشرست، و در عین مسلم بودن، متأسفانه گمنام مانده و باکمال ناباوری و تعجب بایستی توجهی سهل انگارانه از آن گذشته‌اند، یادکنم؛ و آن موضوع تنهایی و انصراف انسان ساز درد، در زندگی بشرست. لطیفه‌ای که طبق فطرت آدمی، از سوی خداوند در نهاد بشر به امانت نهاده شده و از پیش از به‌وجود آمدن تا پس از مرگ او در سرنوشت وی تأثیر مباد و مستقیمی دارد و همواره به عنوان بیدار باش و راهنما او را در مسیر پرتلاطم و خوفناک زندگی هدایت می‌کند و به پیش می‌برد.

عنصری که بدون شک مهم‌ترین پدیده شکن‌گیری شخصیت و نهاد سیالمان انسانی است.^۱ و تنها درد است که وظیفه خطیر انسان‌سازی و سعادت او را بر دوش می‌زند.

بدون درد، نه تنها حیات مفهومی نخواهد داشت، که حتی مقوله‌های مهمی چون عشق و محبت و ایثار نیز از خاصیت و عملکرد خویش ناکام خواهند ماند.

پس چه شده که ما از شناخت و تبیین و پرداختن به این اساسی‌ترین موضوع تا حال شانه خالی کرده‌ایم؛ و نه تنها آن را به‌درستی نشناخته، بلکه حتی در شناخت اهمیت و ارزش و اعتبار آن نیز بی‌توجهی نموده‌ایم؟!۲

درد که یک مفهوم تعریف نشده و حسی و ادراکی است، احتیاج به طبعی آماده دارد تا بروز یابد.

بالاخر از آنی که بگویم چون کن
من صورتم و ز خود ندارم خبری
خواهی جگرم بسوز خواهی خون کن
نقاش تویی عیب مرا بیرون کن

۱. سوره بلد ۹۰، آیه ۴ "لقد خلقنا الانسان فی کبد"

یکی از کلمات محوری سخن عطار، کلمه «درد» است و این درد هیچ ربطی به آنچه معادل وجع و الم در زبان عربی است ندارد، بلکه مقصود آمادگی روحی انسان است برای پذیرفتن امور ذوقی و حقایق روحانی و چیزهایی که می‌تواند انگیزه کارهای اساسی شود و نیروی حرکت سالک به سوی مقصد گردد. در دیوان گوید:

در قعر جان مستم دردی پدید آمد
درین صوفی و شان دردی ندیدم
کان درد بندیان را دایم کلید آمد^۱
که صافی باد عیش درد نوشان^۲

در متون عربی کلمه‌ای که بتواند تمام معانی کلمه درد را در فارسی برساند نمی‌توان یافت. درد در زبان این طایفه استعداد و تأثر از امور ذوقی و روحانی است و عبارت است از قابلیت اشتغال ذاتی در برابر رقه‌ای کشفی و شهودی، همان چیزی که می‌تواند انگیزه کارهای اساسی در سلوک به حساب آید.

آنچه در زبان عام، هنوز می‌گویند «آدم بی‌دردی است» از بقایای همین کاربرد است. در میان شعرای بزرگ زبان فارسی، عطار این واژه را، شاید، بیش از دیگران به کار برده باشد. مؤلفان عربی زبان ایرانی تصوف کلمه «الم» را تاه از جاری در برابر این مفهوم قرار داده‌اند؛ مثلاً درین عبارت: «كَانَ التَّصَوُّفُ أَلَمًا فَصَارَ سَلَامًا» (امرار التوحید، ۲۹۹)، یعنی پیش از این تصوف درد بود و اکنون عباراتی است که بر قلم آرند.^۳ امام علی (ع) می‌فرماید:

دواء ک فیک و لا تشعُر
درمان تو در تو است ولی نمی‌یابی و درد تو از تو است ولی نمی‌بینی.

درد انواعی دارد، از قبیل: درد جسمانی و مادی، درد غربست درد عشق و در نهایت درد عرفانی. همه این دردها سرانجام به درد معنوی منتهی می‌شوند و به قول مولانا:

عاشقی گر زین سر و گر زان سر است
عاقبت همه را بدان سر رهبرست
و فروتنان را بشارت ده؛ همان‌ها که چون نام خدا برده می‌شود، دل‌هایشان پر از خوف پروردگار می‌گردد؛ و شکیبایان در برابر مصیبت‌هایی که به آنها می‌رسد؛ و آنها که نماز را بر پا

۱. منطلق الطیر، ۵۶۰.

۲. دیوان: ۲۶۶.

۳. این کیمیای هستی، مجموعه مقاله‌ها و یادداشت‌های استاد دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی درباره حافظ، به کوشش ولی‌الله درودیان.

۴. غزلیات شمس تبریز، محمد رضا شفیعی کدکنی، تعلیقات منطلق الطیر، ۱۱۸۲، و تعلیقات الهی‌نامه، ۶۱۸۸.

می‌دارند، و از آنچه به آنان روزی دادیم انفاق می‌کنند.^۱

□ و به سوی سخنان پاکیزه هدایت می‌شوند، و به راه خداوند شایسته ستایش راهنمایی می‌گردند.^۲

□ و از رحمت خدا مأیوس نشوید، که تنها گروه کافران از رحمت خدا مأیوس می‌شوند.^۳

□ آنها که ایمان آوردند و دل‌هایشان به یاد خدا مطمئن و آرام است؛ آگاه باشید، تنها با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد.^۴

□ و پاسی از شب را از خواب برخیز و قرآن و نماز بخوان. این یک وظیفه اضافی برای توست؛ امید است پروردگارت تو را به مقامی در خور ستایش برانگیزد.^۵

www.ketab.ir

۱. سوره حج، آیه ۳۵

۲. سوره حج، آیه ۲۴

۳. سوره یوسف، آیه ۸۷

۴. سوره زلزال، آیه ۲۸

۵. سوره الاسراء، آیه ۷۹